

## تلاقی «حریم شخصی» و «آزادی اطلاعات» در حقوق ایران

فرید محسنی\*

«۸۴/۱۲/۶»

### چکیده:

یکی از پایه‌های تحقق دموکراسی و یا به تعبیری مردم‌سالاری، تضمین حقوق افراد در جامعه است. حفظ حریم شخصی بویژه در زمینه اطلاعات و اسرار از جمله مهمترین حقوق فردی می‌باشد زیرا با حیثیت و شخصیت آنان ملازمه دارد. در عین حال آزادی اطلاعات و حق جامعه برای دانستن از دیگر حقوق مهم اجتماعی و افراد جامعه است. یعنی حق جامعه برای دانستن اخبار و اطلاعات گوناگون که یکی از مصادیق آن اطلاع بر مطالب اشخاص دیگر اعم از عادی و یا صاحب منصبان سیاسی و غیره می‌باشد. لذا این دو حق گاهی با یکدیگر در تزامن و تقابل قرار می‌گیرند. از یکسو حق فرد ایجاب می‌نماید یکسو حق فرد ایجاب می‌نماید که اسرارش مکتوم بماند و دیگران از آن مطلع نگردند و یا به عبارتی «ندانند» و از سوی دیگر حق جامعه ایجاب می‌نماید که بر اطلاعات شخصی فرد دست یابد و به عبارتی «بداند».

قوانین و مقررات ایران صراحتاً حدود این حقوق را از یکدیگر تفکیکی ننموده بلکه صرفاً در پاره‌ای از موارد یکی را ترجیح داده است. برای تحلیل حقوقی موضوع لازم است معیارهای گوناگون در این خصوص از درون ضوابط قانونی استخراج گردد تا بتوان به نحو علمی آن را مورد بحث و سپس مبنائی برای قانونگذاری قرارداد. نکته قابل توجه آنکه توسعه تکنولوژی و فناوری ضرورت اهتمام به این موضوع را دوچندان نموده است. زیرا امنیت و آسایش روانی افراد در جامعه در اینست که بدانند اسرار آنان و حریم شخصی شان در زمینه‌های گوناگون بویژه اطلاعات شخصی از تعرض سایرین مصون می‌باشد.

در مقاله حاضر ابتدائاً نکاتی از نقطه نظر احکام اسلام مطرح و سپس مواردی از قوانین مختلف که بطریقی مربوط به تلاقی این دو حق با یکدیگر می‌باشد را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا بدین وسیله معیارهای حقوقی مرتبط با موضوع دسته‌بندی علمی شده باشد.

### واژگان کلیدی:

حریم شخصی، حقوق فردی، حقوق جامعه، حق جامعه برای دانستن، حق آزادی اخبار و اطلاعات

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

## مقدمه :

در جامعه حقوق مختلفی با یکدیگر در تزاخم می‌باشند که باید برای برقراری نظم اجتماعی قواعدی را در خصوص آن پیشینی نمود. از یکسو حقوق و آزادی‌های فردی مورد اهتمام می‌باشد، زیرا نقص برخی از حقوق فردی موجب خسارت معنوی و سلب آرامش دورنی افراد می‌گردد و به لحاظ آنکه حیثیت فردی از سرمایه‌های مهم زندگی و مراودات اجتماعی سعی می‌کنند برخی از اطلاعات شخصی و اسرارشان مکتوم و مخفی بماند و در صورت کشف و برملا شدن این موارد امنیت و آسایش آنان سلب و حیثیت و آبرویشان مخدوش می‌گردد. از سوی دیگر جامعه و دولت نیز دارای حقوقی می‌باشند که نقص آنها موجب آسیب اجتماع می‌گردد و گاهی بقاء جامعه مرهون صیانت و حفاظت از لطماتی است که به آن وارد می‌شود. لذا دولت به نمایندگی از جامعه تلاش می‌نماید تا از حقوق اجتماع دفاع نماید. البته به لحاظ موقعیت طرفین، و عدم برابری در رابطه فیما بین فرد و دولت، قوانین اساسی کشورهای گوناگون تلاش می‌نمایند راههائی را برای تضمین حقوق افراد پیشینی کنند تا حکومت و حاکمیت نتواند آنرا تضييع نماید. مثلاً یکی از حقوق اساسی شناخته شده برای جامعه و انسانها، حق «آزادی اطلاعات» است. یعنی حق مطلع شدن از اخبار، اطلاعات و افکار گوناگون اعم از داخلی و یا خارجی. هیچکس نباید مانع انتشار حقائق و وقایع که مقدمه ای برای استنباط و قضاوت‌های گوناگون اجتماعی است گردد. ممانعت برای انتشار اخبار و اطلاعات ممکن است از طرق مختلف صورت پذیرد: از جمله سانسور، تحریف و یا استفاده از تکنولوژی برای منع جریان اخبار که همگی ناپسند و ممنوع است. اصل آزادی عقیده و بیان ایجاب می‌کند که هیچگونه مانعی برای انتشار حقائق و وقایع اجتماعی وجود نداشته باشد.

بر اساس ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر :

« هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و

هراسی نداشته باشد. و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات

مرزی آزاد باشد.»

بنابر آنچه گفته شد بطور کلی جامعه حق دارد هرگونه مطلب و خبری را در مورد سایرین اعم از اشخاص عادی و یا سیاسی بداند. ولی این حق ممکن است با حق حریم شخصی و مصونیت فردی و آزادی در زندگی خصوصی در تعارض واقع شود. در بسیاری از موارد اطلاع دیگران از اسرار شخصی فرد موجب سلب آسایش و امنیت وی می‌گردد. هنگام مطالعه علمی حقوق مذکور، غالباً هر یک از آنها بنحو مستقل و مجزا مورد بحث قرار می‌گیرند ولی پیچیدگی موضوع زمانی پدیدار

می‌گردد که اینگونه حقوق عملاً با یکدیگر تلاقی نمایند. مثلاً چنانچه حریم خصوصی فرد در زمینه اطلاعات شخصی و اسرار وی با حق جامعه برای دانستن با یکدیگر در تراحم واقع شوند، آیا در شرایط مختلف کدامیک از این دو مقدم بر دیگری است؟ آیا قاعده واحدی برای تشخیص وجود دارد یا آنکه در شرائط گوناگون قواعد مختلفی حاکم می‌گردد؟ لذا سوال مهم حقوقی آن است که مرز بین این دو چیست؟ آیا حق جامعه برای ندانستن تا چه حدی است؟ و برای دانستن تا کجا می‌توان پیش رفت؟ آیا محدوده حریم خصوصی چیست و در چه مواردی می‌توان حریم خصوصی اشخاص را نقض کرد و جامعه را از مطالب شخصی افراد مطلع ساخت؟ و در صورت نقض چه مواردی مستثنی هستند؟

مسلماً با گسترش وسائل ارتباط جمعی و تکنولوژی ارتباطات، بویژه تبدیل جهان به دهکده‌ای کوچک و رواج ماهواره و اینترنت و امکان دسترسی به اطلاعات دیگران موضوع دشوار و غامض‌تر گردیده است. امروزه حکم‌های جوان و ماجراجو که کارشناس ورود به حریم‌های دیگران اعم از خصوصی، اداری، تجاری و یا امنیتی و کشف و دستیابی به اطلاعات می‌باشد. مقوله ای جدید و جدی برای دولتها و امنیت افراد پدید آورده اند. اینگونه افراد غالباً نوجوان و یا جوانان کنجکاو و بی‌باکی هستند که حتی ورود به شبکه‌های مراکز امنیتی و یا بسیار مهم نظیر بانکها برایشان جذاب تر و هیجان‌آورتر می‌باشد. لذا ورود به حریم خصوصی اشخاص عادی و دستیابی به اطلاعات خصوصی آنها برایشان ساده تر و کم‌خطر تر نیز است. هر چند رواج سریع تکنولوژی در جامعه به منظور فراهم شدن تسهیلات در زندگی روزمره بوده است ولی چنانچه عملاً موجب تسهیل در نقض حریم خصوصی اطلاعات و اسرار اشخاص گردد، تنها موجب آسایش انسانها نخواهد بود بلکه سبب از بین رفتن آرامش، امنیت و رفاه افراد جامعه خواهد شد. زیرا آزادی شخصی پایه همه حقوق و آزادی‌هاست. اگر انسان دارای آزادی، امنیت و مصونیت فردی نباشد، استفاده از سایر حقوق و آزادیها نظیر آزادی‌های سیاسی و اقتصادی و غیره برایش نامفهوم و بی‌ارزش خواهد بود. انسانی که پیشرفته‌ترین تجهیزات و امکانات رفاهی برخوردار است ولی امنیت از لحاظ حریم خصوصی بویژه در زمینه اسرار و اطلاعات نداشته باشد، در واقع هیچگونه آسایش و آرامشی نخواهد داشت. و مسلماً هیچ امری نمی‌تواند جایگزین آرامش روحی و امنیت خاطر انسان گردد. لذا بررسی‌های تلاقی حقوق فرد و جمع، دولت و شهروند در خصوص آزادی اطلاعات از یکسو و

حریم خصوصی اشخاص و تعیین مرزهای صحیح قانونی بین آنها دارای اهمیت حیاتی و بنیادین می باشد.

گرچه موضوع مذکور دارای بعد بین المللی نیز می باشد ولی بهرحال دولتها برای تنظیم روابط اجتماعی در قلمرو حاکمیت خود سعی در تبیین حد و مرز هر یک از این حقوق نموده‌اند. و البته از آنجا که حریم خصوصی از جمله مهمترین مسائل حقوقی مرتبط با فرد و اجتماع می باشد لذا از جمله مباحث مهم حقوق اساسی محسوب می گردد. بویژه آنکه ممکن است که هنگام اجراء و اداره امور مورد سوء استفاده مجریان و سیاستمداران نیز قرار گیرد. واقعه یازدهم سپتامبر در آمریکا و اقدامات آن دولت و نیز برخی کشورهای اروپایی تحت عنوان مقابله با تروریسم و کسب اخبار و اطلاعات افراد و شنود مکالمات تلفنی و اقداماتی از این قبیل که به طریقی نقض حریم شخصی محسوب می گردد مباحث قابل توجهی در این زمینه ایجاد نموده است.

باید توجه نمود که این موضوع در سطوح مختلف جامعه قابل ملاحظه و بررسی است و باید دانست که مصادیق آن در شرائط مختلف از لحاظ زمان و مکان متفاوت می باشد. عبارت دیگر عرف تعیین مرزهای تلاقی این دو حق دارای تاثیر بسزائی می باشد. برای مثال، در ایران زمانی داشتن همسران متعدد بنحو محرمانه چندان قابل تفحص نبود و تجسس در مورد آن بطریقی نقض حریم شخصی محسوب می گردید. ولی امروزه به لحاظ وضع قوانین خاص، بسیاری از این قبیل اطلاعات در فرمهای مختلف مورد سوال واقع می شود و یا در صورت شکایت همسر اول، زوج مورد بازجوئی قرار می گیرد. در مقاطعی کنکاش در مورد بیماری های شخص قابل قبول نبود ولی بعدها در خصوص برخی بیماریهای مسری اینگونه تجسسها توسط ادارات ذیربط لازم شمرده شد و مسلماً با توجه به رواج بیماری های خطرناکی نظیر هپاتیت و ایدز این امر توسعه خواهد یافت و نقض حریم شخصی منظور نخواهد شد. شاید روزگاری دانستن نام کوچک دختر خانواده و یا داشتن عکس نوعی ورود به حریم شخصی تلقی می گردید ولی امروز به اقتضاء حضور وی در کنکور و دانشگاه اسم کوچک او همراه با عکسش در روزنامه چاپ و در سراسر کشور منتشر می گردد.

در حقوق ایران قانون صریحی برای تعیین مرز مشخص در تلاقی این حقوق با یکدیگر، همچنین قانونی که بنحو روشن حدود حریم شخصی را تعریف کند وجود ندارد. ولی در عین حال از مقررات و مواد قانونی گوناگون و نیز بر مبنای اصول حقوقی می توان مبنائی برای استنباط و تعیین قاعده و ملاک پیدا کرد. ذیلاً برخی از قواعدی که از منابع حقوقی و مقررات قانونی مختلف قابل

استخراج است را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از این طریق بتوانیم چارچوبی برای تشخیص امر فراهم نمائیم:

### ۱- تلاقی حق جامعه و حق حریم شخصی افراد در احکام فقهی :

احکام فقهی از منابع مهم حقوق ایران است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز دلالت بر این امر دارد. لذا توجه به دیدگاه اسلام در خصوص تلاقی حریم شخصی و حق جامعه برای دانستن ضروری است. در اسلام « حرمت فرد » بسیار مورد اهتمام می باشد و برملا ساختن اسرار دیگران و یا هتک حیثیت ایشان بشدت نهی گردیده است. ولی در صورت تلاقی این حق فردی با حق جمعی بگونه ای که منافع و یا کیان جامعه به خطر افتد موضوع تفاوت خواهد کرد.<sup>۱</sup> در بیان فقها دو عامل مهم برای تحت الشعاع قرار گرفتن حق فرد « و حریم و حیثیت او » در قبال جمع ملاحظه می گردد:

اول آنکه فرد بلحاظ داشتن اطلاعات خاص حق جامعه را تضييع و یا خطراتی برای جمع ایجاد نماید. در این خصوص برخی فقهاء حتی تعریض شخص را نیز جایز شمرده و در صورت یقین به وجود اطلاعات خاص نزد متهم ، با استناد به برخی روایات ، حقوق جامعه را مقدم بر حیثیت و حقوق و آزادیهای فردی وی دانسته اند.<sup>۲</sup>

دوم در مواردیکه شخص جرائم خاصی « نظیر برخی جرائم مشمول حدود » را انجام داده که در این صورت برملا ساختن گناه و جرم وی جایز است و بعضاً در ملاعام مجازات می‌گردد که در نتیجه آن تخویفی مجازات برای جمع حاصل می‌گردد. در این خصوص تشهیر و اعلان جرم ، نوعی مجازات تلقی گردیده و در واقع با سبک شمردن مجرم سعی در خفیف و خار شمردن عمل زشت او می‌گردد. البته لازم به توضیح است که این مجازاتها معمولاً در خصوص جرائمی است که طریقه اثبات آن بسیار دشوار و بعضاً قریب به محال عرفی است و بنظر می‌رسد در حقیقت شارع برای

۱- غزالی پس از توضیح در مورد اهمیت رازداری می‌گوید: «... و گفت «ص»: المجالس بالامانه الاثلاثه مجالس مجلس یسفک فیه دم حرام و مجلس یستحل فیه فرج حرام و مجلس یستحل فیه مال حرام من غیر حله، ای مجلسها به امانت است مگر سه مجلس: مجلسی که در آن خون حرام ریخته شود و مجلسی که در او فرج حرام حلال داشته آید و مجلسی که در او مال حرام از غیر وجه آن حلال شمرده آید. ر.ک. احیاء علوم الدین ، محمدبن محمد غزالی، ترجمه موبد الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۶، ج ۲، صفحه ۳۹۰.

۲- ر.ک: آیت اله منتظری حسینی. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۴، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، نشر تفکر،

جلوگیری از علنی شدن پاره ای اعمال منافی عفت، اینگونه مجازاتها را مقرر نموده تا بنوعی موجب تخویف و هراس کسانی که در مظان لغزش هستند گردد. از جمله می توان تراشیدن سر<sup>۱</sup> و اعلان عمومی برای اجراء حد و انجام آن در اجتماع<sup>۲</sup> و نیز معرفی مجرم در جامعه<sup>۳</sup> «تشهیر» را ذکر نمود.<sup>۴</sup> گوئی به لحاظ آن که تجاهر به فسق و تجری نسبت به شارع گناهی بزرگتر می باشد، لذا از این طریق ذهن شخص خاطی در دوران امر در انتخاب خلوت یا حبوب برای ارتکاب فعل حرام، به کمتر توجه عقلی، به سمت خلوت سوق می یابد و آنرا ترجیح خواهد داد تا مجازات کمتری را تحمل نماید.

از سوی دیگر، در مورد زمامداران سیاسی موضوع حریم خصوصی دامنه‌های کاملاً متفاوت دارد.

همانگونه که ملاحظه می گردد در اسلام از یکسو حرمت و آبروی اشخاص مورد اهتمام قرار گرفته و از سوی دیگر حفظ نظام اجتماعی و تا آنجا که ساختار اجتماع در معرض آسیب جدی قرار نگیرد، آبروی افراد مورد احترام می باشد و در پاره ای امور نیز که جنبه‌های تخویفی مجازات مورد اهتمام بوده است، مصلحت اجتماع بر حقوق فرد ترجیح می یابد، همچنین در امر حکومت و زمامداران، ملاحظاتی که در خصوص اشخاص خصوصی وجود دارد، مشاهده نمی گردد.

## ۲- محرمانه بودن امور شخصی اصل و افشاء آن بنا به ضرورت استثناء است.

مستنبط از قوانین و مقررات آن است که اصل بر محرمانه بودن امور شخصی افراد است و افشاء مطالب خصوصی صرفاً در موارد ضروری و با تشخیص مقام قضائی بعنوان استثناء بر اصل امکان پذیر است.

هر چند مقامات ذیصلاح اداری و کسانی که بواسطه موقعیت شغلی خود از اسرار اشخاص مطلع می گردند مکلف به عدم افشای اطلاعات و اسرار غیر می باشند ولی در صورت صدور دستور مقام قضائی بلحاظ ضرورت‌های اجتماعی، موظف به ارائه اطلاعات مذکور به مقامات ذیصلاح می باشند.

۱- امام خمینی «ره»، «تحریر الوسیله، الدار الاسلامیه، بیروت، ج ۲، صفحه ۱۸، مسئله ۳.

۲- امام خمینی «ره»، همان منبع، صفحه ۲۰، مسئله ۵.

۳- امام خمینی «ره»، همان منبع، صفحه ۲۵، مسئله ۱۵.

۴- در بعضی موارد تشهیر به عنوان مجازات به منظور معرفی مجرم برای جلوگیری از امکان شهادت وی ذکر گردیده است. ر.ک: امام خمینی «ره»، همان منبع، صفحه ۲۸.

بر اساس ماده ۱۰۵ قانون آئین دادرسی کیفری :

« مقامات و مامورین وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادهای و شهرداریها و ماموران به خدمات عمومی و بانک ها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاههایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مرجع قضائی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که در این صورت باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد. متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یکسال خواهد شد.»

همچنین در خصوص برخی مشاغل دیگر که شاغلین آن مامورین دولتی محسوب نمی گردند نیز قانونگذار تکلیف نموده که بنا به دستور مقام قضائی موظف به ارائه مستندات موثر در حکم می باشند.

بر اساس ماده ۱۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری:

« هرگاه متهم نوشته های خود را موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استتکاف از ارائه آنها ، مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.»

لذا گرچه بنابر اصل کلی مقامات ذیصلاح و صاحب منصبان ادای طبق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مکلف به رازداری هستند ولی در موارد خاص بشرح فوق بعنوان استثناء بر اصل موظف به ارائه اطلاعات مربوطه به مقام ذیصلاح قضائی می باشند.

در برخی کشورها برای جلب همکاری جامعه جهت کشف جرائم ، در صورت اطلاع افراد عادی از وقوع جنایت و عدم اعلام آن ، « با رعایت شرایط خاص » موضوع جرم تلقی می گردد. از جمله در فرانسه این امر تحت عنوان « جرائم علیه عدالت قضائی » در قانون جزای آن کشور مصوب ۱۹۹۲ که از ۱۹۹۴ لازم الاجرا گردیده است به تصویب رسیده است .

۳- علنی بودن محاکمات اصل و حقوق فردی استثناء است.

پس از طرح پرونده در دادگاه ، اصل بر این است که جامعه دارای حق دانستن و مطلع شدن می باشد. این امر نه تنها برای جامعه مفید است بلکه از سوی دیگر می تواند برای اصحاب دعوا و با متهم نیز مفید باشد. زیرا از این طریق بنحوی نظارت اجتماعی بر عملکرد محاکم صورت می پذیرد

تا دادگاه از مسیر عدالت خارج نگردد و با افراط و تفریط محکمه، حقوق اشخاص تضییع نگردد. ولی بهرحال اراده شخص برای عدم اطلاع جامعه باستناد حریم شخصی تاثیری ندارد مگر در مواردی که طرح موضوع منافی عفت عمومی و نظم عمومی است و با طرفین دعوا تقاضای غیر علنی بودن رسیدگی را بنمایند و نیز سایر اموری که در قانون مشخص گردیده است.

بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی:

« محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

بر همین مبنا ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر نمود:

« محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:

۱- اعمال منافی عفت و جرایمی که برخلاف اخلاق حسنه است.

۲- امور خانوادگی یا دعوی خصوصی به درخواست طرفین

۳- علنی بودن محاکمه مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.

تبصره ۱ منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد لکن انتشار

آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات

مفتری محکوم می‌شود...»

همانگونه که ملاحظه می‌گردد قانون اساسی، علنی بودن محاکمه و رسیدگی را اصل قرار داده و البته قانون عادی علنی بودن را تفسیر و تحدید نموده و بر این مبنا فیلمبرداری و پخش محاکمات قبل از قطعیت حکم، غیر مجاز است و در هر حال امکان دسترسی افراد به محاکم قضائی و اطلاع از مطالب را از جمله حقوق جامعه دانسته که البته فایده این امر شامل متهم یا طرفین دعوا نیز می‌گردد و در اینگونه موارد حریم خصوصی افراد را بعنوان استثناء به حساب آورده است. هرچند قانون تصریحی به ضرورت کیفری بودن موضوع محاکمه ننموده (و ترجیح داشت دامنه آن مشخص‌تر می‌گردد) ولی بهرحال چون غالباً حق جامعه برای دانستن و اطلاع و اخبار هنگامی مطرح است که هنجارهای اجتماعی توسط مجرمین نقض شده باشد لذا با وقوع جرم، جامعه آسیب دیده است و لذا مجرم نمی‌تواند به بهانه خصوصی بودن عمل و جرم ارتكابی و یا با توسل به محدوده حریم شخصی و عدم رضایت برای اطلاع جامعه از عملکرد او مانع اطلاع جامعه و یا خبر رسانی به آن گردد. البته به منظور جلوگیری از ترویج فساد و نظائر آن برخی موارد استثناء گردیده که در اصل ۱۶۵ و ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری مشخص شده است.



۴- تفتیش منزل منوط به وجود «اولویت» و «ضرورت امر» می‌باشد.

منزل بعنوان مامنی است که معمولاً اسرار و اطلاعات فرد را نیز در خود جای می‌دهد و لذا ورود به آن مقدمه‌ای برای دستیابی به اطلاعات خصوصی افراد می‌باشد. به همین جهت قانونگذار برای ورود به منزل شرایط خاصی را در نظر گرفته است. مهمترین نکته در این خصوص آنست که تفتیش منزل هنگامی امکان‌پذیر می‌باشد که با حق مهمترین از جامعه در تعارض قرار گیرد و مقام قضائی برای حفظ حقوق جامعه چاره‌ای جز انجام این امر نبیند.

بر اساس ماده ۹۶ قانون آئین دادرسی کیفری:

«تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف

متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد.»

و بر اساس ماده ۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری:

«چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان

مهمتر باشد.»

لذا در تلاقی حق فرد با حق جامعه و یا حق اشخاص ثالث، وجود ضرورت و اولویت لازمه امر است که البته هرچند معیار عینی توسط قانونگذار برای این امر تعیین نگردیده ولی بهرحال تشخیص آن با مقام قضائی می‌باشد.

۵- در جرائم خاص، جنبه‌های تخویفی نسبت به حیثیت فرد اولویت دارد

هرچند اعمال ارتكابی اشخاص از اسرار مهم افراد است که اطلاع دیگران موجب شرمساری و لطمه به حیثیت آنان می‌گردد ولی در پاره‌ای موارد قانونگذار برای تخویف جامعه اجراء مجازات در ملا عام مقرر نموده تا ترس از مجازات مربوطه موجب عبرت دیگران گردد. اجراء اینگونه مجازاتها قطعاً موجب بر ملا و فاش شدن اسرار شخص می‌گردد ولی بهر حال قانونگذار آن را (در شرایط خاص) لازم دانسته است. ممکن است دلیل این امر از یک سو حق جامعه برای دانستن نیز تلقی گردد ولی از سوی دیگر جنبه‌های تخویفی نیز حائز اهمیت می‌باشد، که بنظر می‌رسد این مقصود غالب است. در عین حال صدور اینگونه احکام (نظیر حکم به اجراء شلاق در ملا عام) هنگامی صادر می‌گردد که چنین اجازه‌ای صریحاً در قانون آمده باشد، زیرا شلاق یک مجازات است و

اجراء آن در ملا عام (که موجب آشکار شدن مجازات و هتک حیثیت مجرم) می‌گردد مجازات دیگری است که بدون معجز قانونی جایز نیست.<sup>۱</sup>

بر اساس ماده ۲۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری:

«محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به تشخیص دادگاه با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایر مقررات مربوط در حکم تعیین می‌شود.»

در برخی جرائم منافی عفت، اجراء مجازات در ملا عام امکان‌پذیر است. البته همان‌طور که قبلاً بیان گردید غالباً اینگونه جرائم بسادگی قابل اثبات نیستند و با فرض ثبوت، برای عبرت دیگران و مصونیت جامعه از این قبیل جرائم، اجراء آن در ملا عام مجاز است. مواد ۸۷، ۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی که مربوط به اجراء حدود می‌باشد همگی بنوعی قابل اجرا در ملا عام می‌باشند.

عـ اولویت حق جامعه برای دانستن نسبت به حق حریم شخصی مسئولین سیاسی:

صاحب منصبان سیاسی و اجرایی، بلحاظ موقعیت و اختیاراتی که به دست می‌آورند باید برای حفظ سلامت آنان و جامعه تحت نظارت قرار گیرند. در اعمال اینگونه نظارتها ممکن است گاهی حریم خصوصی آنان در زمینه اطلاعات و اسرار شخصی نقض گردد.

به همین جهت قانونگذار برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده‌ای توسط اینگونه افراد و برای شفاف‌سازی امور، برخی مسائل خصوصی مسئولین طراز اول کشور را جزو حریم شخصی آنان

۱- نظریه ۱/۱۸۴۷ مورخه ۱۳۷۴/۸/۱۰ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

۲- ماده ۸۷- مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعد به مدت یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۹۹- هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم، اول حاکم شرع سنگ می‌زند بعداً دیگران، و اگر زناى او به شهادت شهود ثابت باشد اول شهود سنگ می‌زند بعداً حاکم و سپس دیگران. تبصره: عدم حضور و یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجرا شود.

ماده ۱۰۱- مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند.

ماده ۱۰۷- حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی‌شود اما با قرار آنها ساقط می‌شود.

محسوب ننموده، حتی اطلاع عموم در اینگونه موارد را ضروری دانسته است. هرچند در وضعیت عادی هرکس میزان دارائی و چگونگی تحصیل مال و درآمدهای خود را از جمله مسائل بسیار محرمانه و شخصی خود می‌داند ولی وقتی منصب سیاسی و اجتماعی خاصی را پذیرفت، باید برای جلب اعتماد مردم و بقاء آن بنحوی شفاف و روشن برخی از اطلاعات شخصی خود را در اختیار آنان قرار دهد و در حقیقت مرز حریم شخصی او با توجه به وضعیت و شرائط شغلی‌اش تغییر نموده نسبت به افراد عادی محدودتر می‌گردد.

بر اساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی:

«دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که خلاف حق افزایش نیافته باشد.»

البته همانگونه که ملاحظه می‌گردد دامنه اصل مذکور بسیار محدود است و صرفاً برخی از رده‌های سیاسی و اجرایی را در بر می‌گیرد. حتی سیاق عبارت بگونه‌ای است که اصل برائت و صحت در آن ملحوظ است. امروزه در جامعه بین‌المللی کشورهای مختلف به اهمیت این موضوع پی برده‌اند و به همین جهت در کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی<sup>۱</sup> نه تنها اصل برائت در خصوص ازدیاد اموال صاحب‌منصبان مبنا قرار نگرفته بلکه دامنه آن نیز گسترش یافته است.<sup>۲</sup>

#### ۷- یکی از مرزهای (محدود کننده) آزادی بیان و اطلاعات، نشر اکاذیب می‌باشد.

برای روشن شدن مرزهای حقوقی در تلاقی حریم شخصی و آزادی اطلاعات، لازم است محدوده هریک از آنها مشخص و معیارهای تعیین شده در قوانین مورد توجه قرار گیرد. حق آزادی اطلاعات در جامعه ایجاب می‌نماید که افراد بتوانند بوسیله رسانه‌های جمعی و جرائد و غیره اطلاعات مختلف را به دیگران منتقل نمایند. آگاهی جامعه از وقایع و اخبار صحیح حقی شناخته شده می‌باشد. ولی استفاده از این حق ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد و بنام آزادی، مطالب و اخبار خلاف واقع نسبت به دیگران منتشر گردد و عملاً حیثیت آنان را مخدوش نماید. معمولاً اینگونه اخبار مرتبط با امور شخصی افراد است، زیرا در مفهوم خبر، تازگی و عدم علم دیگران نهفته است و از آنجا که کشف اطلاعات شخصی دیگران و انتشارش معمولاً مشتریان خود را دارد لذا قانونگذار برای جلوگیری از شایعه‌پراکنی بی‌اساس و یا خلاف واقع و جلوگیری از مکلوک نمودن

1- United Nations Convention Against Corruption

۲- برای مطالعه بیشتر ر. ک: ماده ۲۰ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی (مربدا)

آبروی دیگران از طریق انتشار اخبار و مطالب خلاف واقع، نشر خبر کذب را جرم دانسته است. اساساً چنانچه مطالب انتشار یافته در مورد حریم خصوصی افراد خلاف واقع باشد، مصداق و نمونه‌ای از نشر اکاذیب می‌باشد لذا یکی از معیارهای آزادی بیان و اطلاعات عدم تداخل با نشر اکاذیب می‌باشد.

بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات عمومی:

«هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.»

همچنین ماده ۲۳ قانون مطبوعات ضمانت اجراء این امر را در مواردی که موضوع در مطبوعات چاپ شده باشد مطرح نموده است.<sup>۱</sup> علاوه بر این اساس قانون مسئولیت مدنی شخص زیان دیده از

۱- ماده ۲۳ قانون مطبوعات: هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء یا خلاف واقع و یا انتقاد نیست به شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) مشاهده شود. ذینفع حق دارد پاسخ آنرا ظرف یکماه کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه به مزبور مکلف است اینگونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل منتشر شده است مجانی به چاپ برساند به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز نکند و منضم توهین و افتراء به کسی نباشد اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب یا توضیحات محدودی چاپ کند حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ بصورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود. پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج شود به شرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر آن تسلیم و رسید دریافت شده باشد.»

«در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نکند شاکی می‌تواند به دادستان عمومی شکایت کند و دادستان در صورت احراز صحت شکایت شاکی جهت پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هرگاه این اخطار موثر واقع نشود پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد و به دادگاه ارسال می‌کند.» حکم این ماده و تبصره‌های آن نافی اختیارات شاکی در شکایت به مراجع قضائی نخواهد بود.»

این بابت می‌تواند خسارات مادی یا معنوی خود را مطالبه و دادگاه بطریق مقتضی اعاده حیثیت او را فراهم می‌سازد<sup>۱</sup>.

#### ۸- اولویت حق جامعه در امور بهداشتی، امنیتی و نظائر آن بر حق حریم شخصی افراد

یکی دیگر از مصادیق اولویت حق جامعه بر حق فرد در زمینه حریم شخصی موضوعات مهمی است که عدم افشای راز و یا اطلاعات فرد موجب لطمه و زیان اساسی به سلامت، جان و بقاء افراد دیگر و یا جامعه می‌گردد. براساس آئین‌نامه «طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزش و واگیردار» (مصوب ۱۳۲۵) پزشکان موظف به حفظ اسرار بیماران مذکور گردیده‌اند ولی در شرائط خاصی که شخص از پیگیری بیماری خود امتناع نموده، پزشک درمان‌کننده مکلف است موضوع را به اداره بهداشتی اعلام نماید<sup>۲</sup>. مسلماً این اقدام تکلیفی قانونی است هرچند برملا ساختن اطلاعات خصوصی فرد مسحوب می‌گردد. البته در همین موارد نیز قانونگذار تمهیدات خاصی را برای حفظ حریم خصوصی شخص تا حد امکان پیش‌بینی نموده است.

منطقاً در چنین مواردی شخص نمی‌تواند باستناد حرمت آزادیهای فردی و یا ضرورت حفظ حریم شخصی او در زمینه اطلاعات و عدم فاش نمودن اسرار، حقوق جمع را تضییع نماید. فروض این امر در زمینه‌های گوناگون متصور است:

- آیا شخصی که آب آشامیدنی شهر را آلوده نموده و یا مواد غذایی فاسد توزیع کرده می‌تواند اقدامات خود را اسرار شخصی بداند و کشف و انتشار آنرا موجب هتک حیثیت و آبروی خود بداند؟

- آیا شخصی که با ایجاد ارتباط غیر مجاز با اجنبی و یا اقدامات جاسوسی امنیت کشور خود را به خطر انداخته می‌تواند کشف و اعلام اینگونه مطالب را نقض حریم شخصی بداند؟

۱- ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی:

«کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.»

۲- مواد ۲ و ۳ از آئین‌نامه طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و واگیردار

- آیا شخصی که اقدام به آدم‌ربائی و یا سرقت و غیره نموده می‌تواند شنود مکالمات و یا کنترل رفت و آمد خود توسط نیروی پلیس را به عنوان نقض حریم شخصی تلقی نماید؟  
- گسترش بیماریهای مسری نظیر ایدز و هپاتیت و نظائر آن، و خطرات جدی ناشی از رواج آن، ضرورت شناسائی و اقدام در مورد اینگونه بیماران را ایجاب می‌نماید. بدیهی است در اینگونه موارد حقوق جامعه (همراه با رعایت حریم خصوصی مبتلایان به بیماریهای مذکور) در اولویت قرار دارد.

بدیهی است حق جامعه در اینگونه موارد اولویت دارد و در تلاقی حقوقی فرد و جمع در خصوص موارد مذکور مسلماً اولویت با جامعه است. در قوانین مختلف هریک از اعمال فوق بر اساس ماهیت و مفاد آن جرم و یا تخلفی است که مجازات خاص برای آن مقرر گردیده و گاهی مجازات‌های تکمیلی نظیر محرومیت‌های اجتماعی از جمله محرومیت از مشاغل دولتی را بدنبال دارد.

در برخی از کشورها (نظیر فرانسه) کسانی که از وقوع جنایتی مطلع گردند ولی آنرا به پلیس اطلاع ندهند، با رعایت شرایط مربوطه، عمل آنان جرم تلقی می‌گردد و امروزه موضوع تحت عنوان «جرائم علیه عدالت قضائی»<sup>۱</sup> در حقوق فرانسه مورد بحث می‌باشد. البته لازم است مرزهای مشخص حریم خصوصی در اینگونه موارد نیز از طریق تقنین و تنظیم مقررات خاص معین گردد.

#### ۹- اولویت حریم خصوصی نسبت به اخبار و اطلاعات غیر ضروری

آیا در شرایط طبیعی که هیچگونه ضرورتی برای اطلاع اجتماع از یک موضوع وجود ندارد، می‌توان حریم شخصی افراد را نقض کرد؟ حتی در پاره‌ای از موارد ممکن است صرف علاقه و یا کنجکاوی جامعه نسبت به یک هنرمند و یا شخصیت اجتماعی سبب کسب اطلاعاتی نسبت به او گردد. فرض بر این است که اطلاع و اخبار مذکور از امور ضروری و یا واجب برای جامعه نیز نمی‌باشد. مثلاً طرفداران یک فوتبالیست، ورزشکار، ستاره سینما، هنرپیشه معروف، و یا دوستان یک چهره اجتماعی یا مذهبی علاقمندند که در مورد بسیاری از مسائل خصوصی فرد موردنظر خود اطلاعاتی داشته باشند. حتی اطلاعاتی بسیار ساده و عادی که شاید در خصوص سایر افراد جامعه چندان اهمیتی نداشته باشد. اینکه منزلشان در کجاست، داخل آن چگونه است، همسرشان کیست،

۱ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۴ که از اول مارس ۱۹۹۴ لازم الاجراء گردید.

چند فرزند دارند، خودرو سواری‌شان چیست، لباسهایشان را از کجا خرید می‌کنند، در کدام رستوران غذا می‌خورند، روابطشان با دیگران چگونه است، برنامه روزانه‌شان چیست، حتی چه ساعتی می‌خوابند و ... ممکن است غالب اینگونه سوالات و مطالب از روی محبت و حتی الگوپذیری باشد. کما اینکه طرفداران یک هنرپیشه لباس و موی سر و رفتارشان را نیز مشابه او می‌سازند و یا در اتاق کارشان عکس او را نصب می‌کنند. مسلماً کسب اینگونه اطلاعات به هر نیتی که باشد در بسیاری از موارد موجب آزار و سلب آسایش اشخاص می‌گردد. غالباً اینگونه افراد هنگام حضور در جامعه بلحاظ توجه مردم و نگاههای کنجکاو آنان بهیچوجه آسایش دیگران را ندارند و حتی گاهی بناچار سعی می‌کنند با استفاده از عینک و کلاه و غیره خود را ناشناس جلوه دهند تا بتوانند مانند مردم عادی زندگی کنند.

در یک پرونده قضائی انگلستان هنرپیشه تلویزیونی که صدمه دیده بود بناچار در بیمارستان بستری گردید. خبرنگار و عکاس با ورود به بیمارستان وارد اتاق وی شدند و در همان حال از وی عکس گرفتند. قرار بود عکس‌ها و گزارش مربوط به وضوح بیماری و درمان وی در روزنامه چاپ شود. ولیکن وی فوراً از دادگاه درخواست توقف چاپ آنها را نمود. نهایتاً دادگاه مقرر نمود که چون حق فرد است که علیه فضولی غریبه حق خلوت داشته باشد، لذا این حق شامل حالتی که وی بستری گردیده نیز می‌شود<sup>۱</sup>.

لذا در مواردیکه موضوع خبر و اطلاع‌رسانی مربوط به یک ضرورت اجتماعی نمی‌باشد علی‌الاصول حریم خصوصی نسبت به کنجکاو و یا صرف تمایل افراد جامعه برای مطلع شدن اولویت دارد مگر آنکه رضایت فرد برای نشر مطلب اخذ گردد<sup>۲</sup>.

#### ۱۰- عدم مشروعیت مداخله در امور خصوصی خارج از موضوع تفتیش منزل

کلیات فقهی پس از انقلاب اسلامی جنبه اجرائی به خود گرفت و تلاقی احکام مختلف با یکدیگر سبب گردید که پاره‌ای استفتائات شرعی بعمل آید و نیز دستورات روشن در زمینه‌های

1- Maureen Spencer and John Spencer, *Nutcases Human Rights*. London. Sweet & Maxwell 2002.p.115.

۲- به همین دلیل به نظر می‌رسد برخی برنامه‌های تلویزیونی تحت عنوان دوربین مخفی که با اخذ تصویرهای ناخواسته افراد، آنان را موضوع و سوژه با یک امر خاص ضبط می‌کنند و برنامه‌های از این قبیل صرفاً در صورتی قابل نمایش برای عموم است که شخص با علم و اطلاع از موضوع نسبت به پخش آن رضایت دهد.

مختلف صادر گردد که عملاً بعنوان رویه در بسیاری از مراجع اداری و یا قضائی مورد اجرا می‌باشد. از جمله این موارد دستورات مهمی است که امام خمینی (ره) بلحاظ تلاقی حقوق افراد (که در معنای حاضر همان حریم خصوصی می‌باشد) و نیز مداخلات مامورین صادر نمودند که متعاقباً تحت عنوان «فرمان هشت ماده‌ای» موصوف گردید!

از آنجا که در قسمتی از این فرمان صراحتاً برخی از موارد موضوع بحث گردیده، قسمتی از این فرمان مهم را عیناً مرور می‌نمائیم:

«... هر کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شد یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صورت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷. آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مختلف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچک و بزرگ و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگانه‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز یا قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستانها و دادگاهها، چرا که تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه سامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود. و در عین حال ماموریت باید خارج از حدود ماموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعی، عملی انجام ندهند.

و موکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لہو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمانان و تعدی از ضوابط شرعی نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نماید و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدادی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است،



در حکم مفسد نفسی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن ماموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محلهای کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است...»

ترجیحاً لازم است با تصویب قوانین جامع، مفاد این فرمان بصورت مواد قانونی درآید تا از این طریق وحدت رویه در کلیه مراجع ذیربط پدید آید.

### ۱۱- حریم شخصی و آزادی اطلاعات در فضای مجازی بر اساس قانون ایران

قانون تجارت الکترونیکی ایران در سال ۱۳۸۲ تصویب گردیده است. فصل سوم این قانون از مواد ۵۸ تا ۷۸ در مورد حمایت از داده پیام‌های شخصی یا حمایت از داده‌هاست. نظر به اینکه موضوع مذکور مستقلاً در مقاله دیگری مورد بحث قرار گرفته، از طرح مجدد آن در اینجا خودداری می‌گردد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

هرچند حقوق و آزادیهای فردی از یکسو و حقوق و اختیارات دولت به نمایندگی از جامعه از جمله مباحث مهم حقوق اساسی و حقوق عمومی است ولی باید اذعان نمود که اولویت‌بندی آنان در صورت تعارض این حقوق با یکدیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. مثلاً بررسی حق آزادی و مصونیت افراد در خصوص حریم خصوصی در زمینه اطلاعات و نیز حق جامعه برای دانستن بنحو انتزاعی و تجریدی دارای فوائد علمی و اجرایی می‌باشد ولی بحث مهمتر یافتن راه حل حقوقی در موارد تلاقی و تزامم این دو حق با یکدیگر است که از این طریق حد و مرزهای هریک تعیین شود. بویژه آنکه امروزه موضوع حاضر در کشورهای مختلف بحث برانگیز گردیده و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، میزان مداخله دولت در حریم خصوصی افراد افزایش یافته و دولتها با توجیه اینکه برای حفظ و برقراری امنیت لازم است چنین اختیاری را داشته و اعمال نمایند عملاً قلمرو

۱- محسنی، فرید و قاسم‌زاده، فریدون - حریم شخصی در فضای مجازی با تکیه بر حقوق ایران - فصلنامه علمی و پژوهشی شریف پذیرفته شده برای چاپ

حقوق بشر را مورد تعرض قرار داده‌اند لذا یافتن مبانی حقوقی و تعیین مرز تلاقی ایندو با یکدیگر دارای اهمیت زیادتری گردیده است.

با توجه به آنچه بیان گردید، نتایج و پیشنهادهای ذیل قابل طرح می‌باشد:

۱- در نظام حقوقی ایران قانون مشخصی برای تعیین قاعده وجود ندارد و همه موارد تحت یک قاعده مشخص قرار ندارند. از جمله حریم خصوصی افراد در زمینه اطلاعات در مورد مسئولین سیاسی با افراد عادی متفاوت است. لذا حق جامعه برای دانستن در خصوص هریک از این دو گروه با یکدیگر متفاوت است.

۲- عرف و زمان در تعیین مصادیق حریم خصوصی تاثیر بسزایی دارند. ولی بطور کلی، با مساوی دانستن حقوق اشخاص، صرفاً نظم عمومی می‌تواند اجازه مداخله به حریم شخصی دیگران را بر مبنای ضرورت حق دیگری ارائه نماید. که در این خصوص نظم عمومی متأثر از دکنترین‌های ایمنی عمومی، آسایش عمومی، بهداشت و سلامت عمومی و نظائر آن می‌باشد. مسلماً در دموکراسی لیبرال برداشت از محدوده حریم شخصی و چگونگی و امکان نفوذ به آن با توسل به نظم عمومی و منافع عامه با برداشت از دموکراسی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت می‌باشد.

مسلماً در شکل جدید دموکراسی مواردی که قبلاً بعنوان تجاوز به حریم شخصی تلقی می‌گردید مورد قبول نمی‌باشد. گسترش فناوری اطلاعات، تقاضای شفافیت اداری در عملکرد دولت و بخش خصوصی ایجاب می‌نماید که حریم خصوصی با مفهومی متغایر با مفاهیم سنتی آن تفسیر گردد. قطعاً جریان آزاد اطلاعات از ضروریات دموکراسی است. بویژه در مواردی که تمسک به حریم خصوصی بهانه‌ای برای فرار از افکار عمومی در امور سیاسی می‌باشد. در سایر موارد نظیر استفاده از اطلاعات خصوصی افراد که بلحاظ شغلی بدست نیامده و یا اموری مثل دوربین مخفی و یا سوء استفاده از اطلاعات شخصی دیگران و نقض حریم خصوصی آنان و شیوه ابلاغ اخباریه‌های دادگستری و یا اعلام نمرات دانشجویی و سایر موارد که قبلاً مورد بحث قرار گرفت لازم است قوانین صریحی فراهم گردد.

۳- دامنه حریم خصوصی مسئولین سیاسی و اجرائی با افراد عادی متفاوت است. کنوانسیونهای جدید بین‌المللی در مورد افزایش داری متصدیان اجرائی اصل برائت را مبنای قرار نداده و لذا تصویب ضوابط کامل‌تر در این زمینه ضروری است.

۴- شیوع بیماریهای واگیردار و خطرناک نظیر ایدز و هیپاتیت ایجاب می‌نماید ضوابطی جامع برای اینگونه امور بهداشتی و اجتماعی تصویب گردد تا حتی‌المقدور ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص مذکور سلامت و امنیت اجتماعی در اولویت قرار گیرد. مسلماً آئین‌نامه‌های موجود در این زمینه پاسخگوی جوانب امر نمی‌باشد.

۵- با گسترش شهرنشینی و پیچیدگیهای اجتماع جدید ضرورت مشارکت جامعه در امور قضائی دو چندان گردیده است. به همین لحاظ تصویب قوانینی در زمینه عدالت قضائی مبنی بر لزوم اعلام جنایات به دستگاه قضائی و انتظامی ضروری می‌باشد.

۶- بازنگری در برخی روشها، عرفها و عملکردها مرتبط با حریم خصوصی افراد ضروری است. موضوع استفاده از دوربین در محیطها و اماکن عمومی، ادارات، خیابانها و غیره و نیز میزان و نحوه استفاده از آن مستلزم ملاحظات حقوقی می‌باشد.

همچنین لازم است با عنایت به فراهم شدن زمینه‌های لازم برای استفاده از فناوری اطلاعات، در برخی روشهای سنتی نظیر استفاده از برگه‌های ابلاغیه دادگستری در مجتمع‌های مسکونی و اداری که عملاً موجب اطلاعات دیگران از اسرار یکدیگر می‌گردد، بازنگری گردد.

#### منابع و ماخذ

- ۱- صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱۷.
- ۲- آیت‌الله منتظری حسینعلی، مبانی فقهی ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، نشر تفکر، جلد ۴.
- ۳- آیت‌الله طباطبائی محمد حسین - المیزان فی تفسیر القرآن - موسسه الاعلمی بیروت - جلد ۱۸.
- ۴- محمدی ابوالحسن، قواعد فقه، نشر دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۵- پلومان ادوارد، حقوق بین‌الملل ارتباطات و اطلاعات، ترجمه دکتر بهمن آقائی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- ۶- طباطبائی مؤتمنی منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۷- ناصر زاده هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- ۸- آیت‌الله عمید زنجانی عباسعلی، حقوق اساسی تطبیقی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۹- گلدوزیان ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.

- ۱۰- کوشا جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی - نشر میزان - چاپ اول - ۱۳۸۱.
- ۱۱- مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲-۱۳۸۴.
- ۱۲- قاسم‌زاده فریدون و محسنی فرید، چالش‌های قانونی تجارت الکترونیکی در ایران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، ۱۳۸۲، تهران، ایران.
- ۱۳- نجفی مرتضی و محسنی فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین‌المللی الهدی چاپ اول، ۱۳۷۹.
- 14- Spencer. M & Spencer. J. Nutcases Human Rights Sweet & Maxwell. London.2002.
- 15- Agranoff, M.H., Controlling The Threats to Personal Privacy, Journal of Information Systems Management, Summer 1993.
- 16- Mason, R.O., Four Ethical Issues of The Information Age, MIS Quarterly, March 1986.
- 17- Turban, Efram, et al. Electronic Commerce: A Managerial Perspective, Prentice Hall 2004.
- 18- [www.ghvanin.com](http://www.ghvanin.com)
- 19- [www.dadkhahi.com](http://www.dadkhahi.com)
- 20- [www.dadgostary.Tehran.ir](http://www.dadgostary.Tehran.ir)
- 21- [www.Rooznamehrasmi.ir](http://www.Rooznamehrasmi.ir)
- 22- [www.canada.justice.gc.ca](http://www.canada.justice.gc.ca)
- 23- [www.audit.nsw.gov.au](http://www.audit.nsw.gov.au)
- 24- [www.itu.int/osg/ni/security/index.html](http://www.itu.int/osg/ni/security/index.html)
- 25- [www.innovazione.gov.it](http://www.innovazione.gov.it)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی